



## The Missed Opportunity in Iranian and American Law

Seyed Kamran Hashemi<sup>1</sup>, Javad Pourkarami<sup>2\*</sup>, Mohammadjavad Jafari<sup>3</sup>

1. PhD student in Private Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

2. Assistant Professor, Department of Private Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 295-308

**Article history:**

**Received:** 6 Feb 2024

**Edition:** 29 Mar 2024

**Accepted:** 19 Jun 2024

**Published online:** 31 Oct 2024

### Keywords:

loss of opportunity, loss of benefit, Iranian legal system, judicial procedure, American law.

### Corresponding Author:

Javad Pourkarami

### Address:

Iran, Kermanshah, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Faculty of Law and Political Science, Department of Private Law.

### Orchid Code:

**Tel:**

**Email:**

[javadpourkarami@yahoo.com](mailto:javadpourkarami@yahoo.com)

### ABSTRACT

**Background and Aim:** This article was compiled with the aim of examining the possibility of filing a lawsuit for loss of opportunity in Iran's legal system and judicial procedure with a review of American law. In this article, the legal concept of loss of opportunity and its relationship with similar concepts such as loss of benefit and lack of benefit have been analyzed. Our goal in this research is to compare the legal system of Iran and America regarding the lost opportunity.

**Materials and Methods:** The research method in this article is descriptive, analytical and library method.

**Ethical Considerations:** From the beginning to the end of the article, the principles of honesty and trustworthiness have been observed.

**Findings:** The findings indicate that the existence of disagreements between jurists and jurists on the one hand, and the discussion about previous and current laws in accordance with the American law, on the other hand, creates serious challenges in this field; Because the legal system derived from jurisprudence in Iran, whose effects and signs are evident in the legislative process, on the one hand, they believe in compensation for the loss of opportunity, and on the other hand, some people do not consider these losses to be compensable.

**Conclusion:** Finally, the interpretation of civil laws, the opinions of jurists and the judicial procedure lead us to the conclusion that the damages caused by the loss of opportunity can be compensated without a doubt if they are real and definite.

**Cite this article as:**

Hashemi SK, Pourkarami J, Jafari MJ. The Missed Opportunity in Iranian and American Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



### فرصت از دست رفته در حقوق ایران و آمریکا

سید کامران هاشمی<sup>۱</sup>، جواد پورکرمی<sup>۲\*</sup>، محمدجواد جعفری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۳. استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** این نوشتار با هدف بررسی امکان طرح دعوی از دست رفتن فرصت در نظام حقوقی ایران و رویه قضایی با مرور حقوق آمریکا تدوین شده است. در این مقاله، مفهوم حقوقی از دست رفتن فرصت و ارتباط آن با مفاهیم مشابه هم چون فوت منفعت و عدم‌النفع مورد تحلیل قرار گرفته است. هدف ما در این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای بین نظام حقوقی ایران و آمریکا در خصوص فرصت از دست رفته می‌باشد. **مواد و روش‌ها:** روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی تحلیلی و به روش کتاب‌خانه‌ای می‌باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** از آغاز تا پایان مقاله اصل صداقت، و امانت‌داری رعایت گردیده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها حاکی از این است که وجود اختلاف نظر میان فقها و حقوق‌دانان از یک سو و بحث پیرامون قوانین پیشین و کنونی با تطبیق با قانون آمریکا از سوی دیگر، مشکلاتی جدی در این زمینه ایجاد می‌نماید. چراکه نظام حقوقی برآمده از فقه در ایران که در فرآیند قانون‌گذاری نیز آثار و نشانه‌های آن مشهود است، از یک طرف معتقد به جبران خسارت ناشی از دست رفتن فرصت هستند و از طرف دیگر، عده‌ای دیگر این خسارات را قابل جبران نمی‌دانند.

**نتیجه:** سرانجام، تفسیر قوانین مدنی، آرای حقوق‌دانان و رویه قضایی ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که خسارات ناشی از دست رفتن فرصت در صورتی که محقق و قطعی باشند، بی‌تردید قابل جبران است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۹۵-۳۰۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

#### واژگان کلیدی:

از دست رفتن فرصت، فوت منفعت، نظام حقوقی ایران، رویه قضایی، حقوق آمریکا.

#### نویسنده مسئول:

جواد پورکرمی

آدرس پستی:

ایران، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق خصوصی.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

[javadporkarami@yahoo.com](mailto:javadporkarami@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

دسته سوم از دعاوی، شامل رقابت‌های سیاسی، تجارت، ورزش، قرعه‌کشی یا مسابقات بخت‌آزمایی یا زیبایی است. در این دسته، شرکت‌کننده از برگزارکنندگان مسابقه یا هر شخص ثالثی که فرصت شرکت در مسابقه یا قرعه‌کشی را تحت تأثیر قرار داده است، تقاضای غرامت می‌نماید. تمرکز اخیر نظام‌های حقوقی بر روی معیارهای سنتی برای اثبات رابطه سببیت در دعاوی مسئولیت مدنی و مشکلات ناشی از آن است. به نظر می‌رسد در حقوق ایران، شرایط مناسب برای استفاده از نظریه از دست دادن فرصت وجود دارد و مشکلات فعلی عمدتاً به عدم قبول عرفانی فرصت به‌عنوان دارایی و مشکلات اجرایی آن محدود است. همچنین، هدف اصلی نظریه از دست دادن فرصت تغییر در قوانین رابطه سببیت نمی‌باشد؛ بلکه هدف آن جلب توجه دادگاه‌ها به عامل تلف فرصت‌ها و احترام به فرصت‌های ارزشمند افراد است. برای رسیدگی به خسارات و ضرورت، لازم است کارشناس با شروط خاص هر پرونده و در چارچوب یک سیستم قضایی منظم، ارزیابی دقیق انجام دهد. بنابراین، با وجود مبانی قانونی لازم برای استفاده از این نظریه در حقوق ایران، تا زمان فراهم شدن شرایط صحیح برای اجرای آن، تأثیرات منفی عدم حرفه‌ای بودن آن بسیار بالاتر از تأثیرات مثبت آن خواهد بود. در این تحقیق، به مطالعه حقوق آمریکا درباره امکان استفاده از نظریه از دست دادن فرصت در نظام حقوقی و روش‌های مرسوم قضایی خواهیم پرداخت.

## ۲. مواد و روش‌ها

نظریه فرصت از دست رفته به جبران خسارت ناشی از تفویت فرصت‌های ارزشمند اشخاص می‌پردازد. این حقوق قابل استفاده برای کسب سودهای آینده یا تأمین نیازهای آینده است. به دیگر سخن، هدف این نظریه جبران از دست دادن فرصت‌های ارزشمند با رعایت فرصت‌های زندگی و قرار دادن آن‌ها در محدوده دارایی‌های ارزشمند شهروندان می‌باشد. بر اساس این نظریه، از دست رفتن دارایی‌های فیزیکی یا سرمایه عاطفی باعث از دست رفتن فرصت‌ها می‌شود و در نتیجه مسئول خسارت، باید خسارات وارده را جبران کند.

یک فرصت از دست رفته را می‌توان برای یادگیری دستاوردهای آینده یا جلوگیری از ضررهای آینده استفاده کرد. فرصت از دست رفته برای کسب سود یا جلوگیری از ضرر می‌تواند به سود افراد یا ضرر مادی یا معنوی باشد. در سه نوع دعاوی، تاریخچه دعاوی مربوط به فرصت‌های از دست رفته قابل مشاهده است. یکی از این دسته‌ها، دعاوی حقوقی وکلا است که در آن، وکلا درخواست جبران خسارت و زیان ناشی از دست دادن فرصت برنده شدن در دعا را مطرح می‌کنند که تقصیر یا اشتباهی در استدلال یا تعقیب دعوا و یا ارائه به موقع درخواست به مراجع بالاتر در دادگاه داشته باشد.

دسته دوم از موارد مربوط به سوءرفتار یا قصور پزشکی است. ادعای جبران خسارت به دلیل از دست دادن دسترسی به درمان کافی و به موقع از پزشک که در انجام وظایف خود کاستگی داشته است، در این نوع دعاوی مطرح می‌شود.

فرصت در فرهنگ لغت به‌عنوان موقعیتی مساعد برای موفقیت شخص، سازمان و جامعه در نیل به هدف تعریف شده است. این فرصت عبارت است از منفعت بالقوه، منفعت نهفته و شرایطی که قابلیت تبدیل شدن به منفعت را دارند. هم‌چنین می‌توان بیان نمود که فرصت عامل یا موقعیتی است که می‌تواند تأثیر مثبت و مطلوبی بر شخص داشته باشد یا شخص را در انجام وظایف و رسیدن به اهداف یاری کند. فرصت به عوامل منفعت به‌صورت ناقص (عوامل بالقوه منفعت) اشاره دارد که با تلاش و تدبیر انسان قابل تحقق است. مفهوم معادل فرصت را می‌توان زمینه، بستر، وضعیت و موقعیت نامید. در فرهنگ لغت آکسفورد، فرصت به معنای زمان یا شرایط مساعد برای پذیرش انجام یا اجرای کاری است و در فرهنگ و بستر جامعه به معنای شرایط و موقعیت‌هایی است که می‌تواند موجب پیشرفت شود. فرصت به چیزی اطلاق می‌شود که در آینده اتفاق می‌افتد و ممکن است تا حد زیادی یا کمتر نامطمئن باشد وضعیت مطلوب در آینده که با وضعیت فعلی متفاوت است و فرض بر این است که در صورت دستیابی به آن می‌تواند موجب پیشرفت و توسعه شود (معین، ۱۳۹۱، ۲۰).

در فرهنگ حقوقی بهمن ذیل عنوان "chance" آمده است، بخت، تصادف، شانس و مجال و هم‌چنین در فرهنگ معاصر هزاره آمریکا، "chance" چنین معنا شده است: بخت، امکان، احتمال، فرصت. در فرهنگ حقوقی «بلک» تحت عنوان «octrine-chance-of-loss» و در تعریف از بین بردن شانس به قانونی اشاره شده است که در

مقاله مورد اشاره توصیفی-تحلیلی بوده و از روش کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است.

### ۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

### ۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که وجود اختلاف نظر میان فقها و حقوق‌دانان از یک سو و بحث پیرامون قوانین پیشین و کنونی با تطبیق با قانون آمریکا از سوی دیگر، چالش‌های جدی را در این زمینه ایجاد می‌نماید. چراکه نظام حقوقی برآمده از فقه در ایران که در فرآیند قانون‌گذاری نیز آثار و نشانه‌های آن مشهود است، از یک طرف برخی از فقها معتقد به جبران خسارت ناشی از دست رفتن فرصت هستند و از طرف دیگر، عده‌ای دیگر این خسارات را قابل جبران نمی‌دانند. در این میان، اختلاف نظر میان حقوق‌دانان معاصر در خصوص از دست رفتن فرصت محتمل یا محقق، کمتر به چشم می‌خورد.

### ۵. بحث

در این قسمت به تعاریف و مفاهیم پرداخته شده است.

#### ۵-۱. تعاریف و مفاهیم

در خصوص تعاریف و مفاهیم نیز به کلید واژگان بنیادین در متن مقاله از جمله فرصت، نظریه فرصت از دست رفته، عدم‌النفع، پرداخته شده است.

#### ۵-۱-۱. تعریف فرصت

روزگار(معین، ۱۳۹۱، ۳۶۱) و در جای دیگر پروای کار، مهلت، نوبت، زمان مناسب برای کاری تعبیر شده است(عمید، ۱۳۷۷، ۲۵۱۹). در حقوق ایران بعضی از حقوق دانان برای بیان این نظریه از عبارت از دست دادن اموال استفاده کرده‌اند(کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۸).

### ۵-۱-۳. عدم‌النفع

عدم‌النفع یعنی اینکه انسان از منفعتی که انتظار دارد محروم شود. عدم سود، جلوگیری از وجود منفعتی است که لازمه وجود آن حاصل شده است(جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۴۴۵).

در مورد یک نوع عدم‌النفع که به آن فوت منفعت می‌گویند، حصول منفعت در آتیه قطعی است و تقصیر مانع از به وجود آمدن آن می‌شود. صرفاً در صورتی که این عدم‌النفع قابل جبران باشد، می‌توان گفت که عدم نفع قابل جبران است. اگر حصول نفع در آتیه محتمل باشد و امکان تحصیل آن از دست رفته باشد، قابل جبران نخواهد بود. زیرا یکی از شرایط لازم برای جبران ضرر و به عبارت دیگر برقرار شدن مسئولیت، وجود ضرر قطعی است؛ حتی اگر این ضرر در حال حاضر رخ ندهد و به آتیه مربوط باشد؛ لیکن در هر دو صورت در خصوص از دست دادن فرصت، نتیجه محتمل و احتمال رکن اصلی آن می‌باشد(تیموری سندسی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۶۵). لذا از بین بردن امکان به دست آوردن منفعت خود در قالب عدم‌النفع قطعی ممکن نیست. بر این اساس، در حقوق بسیاری از کشورها، از دست دادن فرصت تحصیل منفعت خود به‌عنوان یک ضرر مستقل در نظر گرفته می‌شود(جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۲۶).

برخی از ایالات تصویب شده و به بیمار اجازه می‌دهد از پزشکی که مرتکب سهل‌انگاری در معالجه وی شده و بدین لحاظ، فرصت بهبودی و یا زنده ماندن را از او سلب نموده شکایت کند(برایان، ۲۰۰۴، ۹۶۵).

### ۵-۱-۲. تعریف نظریه فرصت از دست رفته

نظریه فرصت‌های از دست رفته نظریه جدیدی است که به‌دنبال جبران زیان‌های ناشی از از دست دادن فرصت‌های ارزشمند برای افراد است. این فرصت‌ها را می‌توان برای به دست آوردن منافع آتی یا جلوگیری از ضررهای آتی اختصاص داد(کاظمی، ۱۳۹۸، ۱۹۱).

به تعبیری دیگر از دست دادن فرصت به معنای از بین رفتن امکان کسب منافع مالی یا ممانعت از خسارت ناشی از تخلفات افراد خارج از قرارداد و یا تخلفات طرفین قرارداد می‌باشد(صفایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۵۰).

این نظریه با ارج نهادن به فرصت‌هایی که افراد در زندگی به دست می‌آورند و قرار دادن آن‌ها در حوزه دارایی‌های ارزشمند مردم، درصد جبران زیان‌های ناشی از تفویض و از بین رفتن این فرصت‌های گران‌بها است. بر اساس این نظریه همانطور که از دست دادن(مستقیم یا غیر مستقیم) دارایی‌های مشهود افراد یا سرمایه عاطفی آن‌ها مسبب است، از دست دادن فرصت‌ها نیز متوجه افراد است و باید علت زیان را جبران کرد(امینی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۸).

در این نظریه از دو تعبیر استفاده شده است. یکی شانس و فرصت است و دیگری از دست دادن. در زبان فارسی شانس به بخت، طالع، اقبال معنی شده(معین، ۱۳۹۱، ۲۱۷۰) و فرصت به زمان مناسب جهت انجام کاری، مجال، زمان، مساعدت

تعهدی است که تمام نشده است، هر یک از طرفین می‌توانند رجوع نمایند؛ اما چنانچه جاعل در حین عمل رجوع کند باید اجرت المثل عمل عامل را بپردازد». چون فسخ جاعل (متعهد به دادن پاداش) موجب تضییع بخت به دست آمده عاملی است که کار یا هدف مطلوب را دنبال نموده و مقدار تلف شده معیار سنجش زیان ناشی از این عمل می‌باشد. با وجود این، پذیرش این نظریه دشوار است. برای مثال بی‌تردید اسبی که از شرکت در مسابقه محروم مانده، نمی‌دانیم که برنده نشده است، منصفانه نیست که محروم شدن از احتمال به هیچ تلقی گردد؛ به-خصوص اگر دلیل مناسبی نیز جهت موفقیت آن وجود داشته باشد و یا ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی که به ذی‌نفعان آسیب‌دیده حق مطالبه خسارت بابت موقعیت از دست رفته خود را از مسئول حادثه داده است، مبنی بر محرومیت از فرصت بهره‌مندی در آینده است. چون حق ذی‌نفع نیز محتمل است و امکان دارد به موجب مرگ متوفی به سایر دلایل یا فقر مدعی از بین برود و با وجود این، قانون‌گذار آن را قابل مطالبه جبران خسارت می‌داند. به‌علاوه، در ماده ۶ تکلیف، فعلیت نیافته و اجرا نخواهد شد. چون با وجود پذیرش این نظر که در فرض احتمال قوی، منصفانه پنداشته می‌شود به‌عنوان قاعده در حقوق ما مشکل می‌باشد و مستلزم تحلیل و تأمل بیشتری است.

پذیرش قاعده به‌عنوان یک قاعده در حقوق ما، به نظر می‌رسد که عادلانه است؛ هرچند نیاز به تحلیل و بررسی بیشتر دارد. بعضی از حقوق‌دانان بر این باورند که به استناد عوامل تعدیل‌کننده آثار دو دیدگاه متضاد در مورد از دست دادن فرصت و موقعیت در

احدی از دکترین حقوقی برای تعریف عدم‌النفع می‌گوید: «عدم‌النفع یعنی عدم افزایش بر میزان اموال و دارایی‌های یک فرد در شرایط مشخص». هم-چنین گفته شده است که در مورد عدم‌النفع، یعنی منافعی که انتظار می‌رود در آینده به دست آید به-دلیل نقض قرارداد در مسئولیت قراردادی یا فعل زیان‌بار در مسئولیت مدنی این منافع حاصل نشده است (شیروی، ۱۳۸۰، ۲۵). این منفعت در اثر وقوع فعل زیان‌بار نامشروع که ناشی از تخلف از تعهدات قانونی و قراردادی است از بین می‌رود و اگر فعل زیان‌بار وجود نداشت، مسلماً منفعت مورد نظر از بین می‌رفت (مهمانان، ۱۳۹۰، ۱۲۳).

#### ۵-۲. از دست دادن فرصت در حقوق ایران

با عنایت به فقدان رویه قضایی و جایگاه این موضوع در فقه، متبادر می‌شود پذیرش این نظریه در حقوق ایران بدون اشکال است. البته در قانون مدنی و دیگر قوانین، نصی که به صراحت این نظریه را بپذیرد، دیده نمی‌شود؛ اما مواردی وجود دارند که این امر را در خود دارند و چنین مسئولیتی را پذیرفته‌اند. مثلاً در خصوص عقد مضاربه آمده است که در صورت فسخ قرارداد از سوی عامل پیش از حصول منفعت و از بین بردن امکان کسب سود باید زیان را جبران نماید. در اینجا مالک با فسخ عقد باعث تفویض فرصت تحصیل سود شده است و عامل حتماً تحصیل سود می‌نمود (تیموری سندسی و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۸۳).

با توجه به اینکه نفس از دست دادن فرصت کسب منفعت، زیان است، تفاوتی در قابلیت جبران این زیان از جهت دیگر شرایط مسئولیت وجود ندارد (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۵۲). ماده ۵۶۵ قانون مدنی نیز در باره اجرت‌المثل عامل جعاله اظهار می‌نماید: «جعاله

برطرف شدن است، زمانی که ثابت شود که ضرر به واقع رخ داده است.

اینکه آیا این زیان به طور قطعی ناشی از فعل یا ترک فعل زاینده است یا خیر، مورد تردید است و با بررسی مقدار دخالت عمل یا ترک عمل در این ضرر، می توان رابطه سببیت را اثبات گردد و به همان مقدار رابطه سببیت را به دست آید. به عنوان مثال، در حوزه پزشکی، اگر با تقصیر خود پزشک موفق به حفظ زندگی بیمار نشده و این موضوع باعث کاهش احتمال مرگ بیمار از ۲۰ درصد به صفر شود. هر چند نمی توان قطعاً گفت که مرگ بیمار ناشی از عمل یا ترک عمل پزشک است، با توجه به مقدار ۲۰ درصد، رابطه سببیت وجود دارد و زمانی که ما کاهش ۲۰ درصد را به عنوان ضرر در نظر بگیریم، در این مقدار رابطه سببیت قطعی و ثابت می باشد. شکی نیست که وضعیت باید به صورت قطعی و معین باشد؛ وگرنه علاوه بر رابطه سببیت، تردید در تحقق ضرر نیز وجود دارد. دو مسئله در مورد درخواست غرامت ناشی از دست دادن فرصت در حقوق ایران، وجود دارد: اولاً، برای احقاق زیان به این ترتیب که آیا فردی که امکان کسب سود را از دست می دهد واقعاً خسارتی متحمل می شود چون تحقق نتیجه قطعی ندارد (شادمان، ۱۳۹۶، ۲۲). ثانیاً، در جهت رابطه سببیت؛ به گونه ای که در وجود رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان بار تردید است. بنابراین، موضوع در حقوق ایران مسئله ساز است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۲۶۹). در فقه به استناد اینکه ضرر را به عنوان یک مفهوم عرفی به شمار آورده اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱).

رویه قضایی فرانسه، این دو دیدگاه را به یکدیگر نزدیک می کند. مسئولیت ناشی از فرصت و موقعیت از دست رفته، دارای چند جهت است: (۱) مشمول مسئولیت مدنی می باشد، به نحوی که گاه به موجب عمل یا ترک عمل دیگر، فرصت و موقعیت فرد برای حصول سود یا پرهیز از زیان تلف می شود؛ (۲) مسئولیت قراردادی را نیز در بر می گیرد. یعنی با نقض قرارداد از سوی یک طرف قرارداد، فرصت و موقعیت کسب نفع یا استکناف از زیان طرف دیگر از بین می رود. لذا باید ارکان هر کدام از این مسئولیت ها موجود باشد تا جبران پذیری آن محقق شود. در غیر این صورت، باید در قابلیت جبران این گونه خسارت ناشی از عدم تحقق ارکان هر کدام از این دو دسته مسئولیت تردیدی وجود نداشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۲۸۲).

موضوعی که در مورد این نوع مسئولیت وجود دارد، تفاوت ارکان آن با دیگر مسئولیت ها می باشد و این موضوع موجب ایجاد شبهات شده است. به علاوه، درباره تحقق ضرر نیز شبهات و تردید در قابل جبران بودن ضرر ناشی از این مسئولیت وجود دارد؛ زیرا ادعا شده است که تحقق ضرر قطعی نیست و از آنجا که یکی از ارکان مسئولیت مدنی یا قراردادی تحقق ضرر است. به همین منظور در صورت تحقق نیافتن ضرر قطعی مسئولیتی نیز حادث نمی گردد.

در بعضی موارد، عمل یا ترک عمل شخص می تواند باعث ایجاد ضرری قطعی شود که از آن نمی توان دوری کرد و هیچ تردیدی درباره آن وجود ندارد. هم چنین درباره وجود رابطه سببیت باید توجه داشت که تردید ممکن است شامل به دست آوردن منفعت یا دوری از ضرر باشد و این تردید به راحتی قابل

در روند کشورهای مختلف اختلافاتی در مورد توانایی درخواست خسارت ناشی از فرصت از دست رفته وجود دارد و با توجه به اینکه این موضوع نسبتاً تازه‌گی دارد در برخی از کشورها مورد پذیرش قرار گرفته و در بعضی غیر قابل قبول است. از طرح اولین دعوی مطالبه در این خصوص در محاکم آمریکا پیش از صد سال می‌گذرد و در طی این مدت آرای متعددی در پذیرش و یا عدم پذیرش این خسارت صادر شده است. به نحوی که می‌توان گفت این نظام حقوقی نگرش بینابین نسبت به این موضوع دارد بدین نحو که در خطاهای پزشکی پذیرفته نشده؛ اما در سایر زمینه‌ها آرا موجود نگرشی مثبت به این موضوع دارند از این رو با توجه به اینکه بیشتر آرا در این زمینه مثبت است می‌توان گفت این کشور جزو موافقین جبران خسارت فرصت از دست رفته قرار می‌گیرد.

در این خصوص ماده (۲) ۷-۴-۳ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی صریحاً قواعدی را در این باره تدارک دیده و از مواد ۳-۵-۹ و ۱-۵-۹ اصول قراردادهای اروپایی قابلیت درخواست خسارات ناشی از فرصت از دست رفته قابل برداشت است. لیکن با این وجود وجود ظاهراً کنوانسیون بیع بین‌الملل در این خصوص ساکت است (صفایی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۵۴).

### ۵-۳-۱. نظریه از دست دادن فرصت در رویه

#### قضایای آمریکا

ارزش قائل شدن برای فرصت و یا ایجاد خطر ورود زیان در حقوق آمریکا، مفهوم جدیدی نیست. دادگاه‌های آمریکا از سال ۱۹۱۱ ارزشمندی فرصت از دست رفته را به‌عنوان خطر ایجاد زیان پذیرفته‌اند. اولین

برای مفهوم ضرر باید به آنچه در اذهان ما و اذهان عرف رخ داده است توجه نماییم و آنچه از جست‌وجوی کاربردهای این کلمه در ذهن ما به ذهن خطور می‌کند، ضرر را به از دست دادن هر کدام از موهبت‌های زندگی تفسیر می‌نماید که ما دارای آن هستیم و از آن بهره می‌گیریم، بگونه‌ای که شامل خود نفس، دارایی، شرافت و سایر عوامل باشد و نظرات درباره عدم صحت ضرر در هتک حقوق راجع به شخص نادرست است. هم‌چنین، بعضی فقها باور دارند که تقسیم حالات مختلف درباره تعداد علت‌ها به منظور تشخیص رابطه عرفی با ضرر صورت گیرد و عرف به فرد متضرر گفته می‌شود و در واقع هیچ علتی بر ترجیح مستقیم بر علت یا بالعکس وجود ندارد و اعتبار عرفی از دست رفتن و رابطه عرفی عامل حائز اهمیت می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۴۹). این دیدگاه که زیان را به معنای عرفی تبیین می‌نماید، در قوانینی نظیر مضاربه، جعاله و ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی مورد قبول واقع شده است (محقق داماد، ۱۳۹۱، ۸۹). در خصوص اینکه چرا قانون‌گذار صریحاً به عرف بودن ضرر نپرداخته است، باید بیان کرد که با توجه به سابقه این مسئله و عرف بودن ضرر، نیاز به این کار نبوده است و با بررسی و استناد به سابقه فقهی درباره این موضوع، عرف بودن ضرر در حقوق ما را هم تأکید می‌کند (یزدانیان، ۱۳۹۵، ۳۷۷).

در حقوق ایران، معمولاً بحث درباره از دست رفتن فرصت، زیر عنوان مسئولیت و شرایط لازم برای تأیید ضرر مطرح می‌شود.

### ۵-۳. جبران خسارت فرصت از دست رفته در

#### آمریکا

خواهان اثبات نماید که بختی اساسی و واقعی برای مذاکره به منظور معامله بهتر را داشته است و در اثر قصور وکیل آن را از دست داده است محکمه باید مقدار این شانس را تعیین کرده و به جبران خسارت برای شانس از دست رفته حکم کند (وینفیلد، ۲۰۱۹، ۲۲۰).

در نظام حقوقی کشور آمریکا به عنوان بخشی از نظام کامن لا سیستم حقوق عرفی در این کشور حاکم است. محاکم این سیستم بیشتر به جبران خسارات ناشی از منافع تجاری رأی داده‌اند، حتی اگر این منافع به شانس‌های غیر قطعی و مبهم وابسته باشند. در پرونده‌های مشابه، محاکم باید تعداد احتمالاتی که اقبال متقاضی وابسته به آن می باشد و این احتمال را مد نظر داشته باشند که این احتمالات و امکانات به سود متقاضی تمام شوند. برای مثال، در یک مورد، کارمندی که به اشتباه پیش از اتمام دوره استخدامی خود اخراج شده بود، مستحق دریافت خسارت برای فرصت از دست رفته دریافت پاداش گردید (سماواتی، ۱۳۸۹، ۲۲).

هم‌چنین در پرونده‌ای که یک گلف‌باز حرفه‌ای آمریکایی در اثر تصادف با ماشین متحمل صدمه‌ای بر دستش شد، دادگاه آمریکا حکم داد به جبران خسارت فرصت از دست رفته از طریق پرداخت مبلغ جایزه نقدی که گلف باز برای دریافت آن برنامه‌ریزی کرده بود. در حوزه‌های مختلفی دادگاه‌های آمریکا به جبران خسارت ناشی از تفویض فرصت حکم داده‌اند از جمله می‌توان به مواردی همچون از بین بردن فرصت شرکت در مسابقات، اهمال و تقصیر وکیل در از بین بردن فرصت تجدید نظرخواهی، زوال فرصت معاملات بهتر و کسب منافع اقتصادی اشاره کرد. در

پرونده در دعوی چاپلین علیه هیکس دادگاه استیناف بود که به جبران خسارت فرصت از دست رفته برای برنده شدن حکم کرده بود. در این پرونده یک مدیر تئاتر، خواهان را به عنوان یکی از پنجاه فینالیست در یک مسابقه زیبایی انتخاب کرده بود. مدیر تئاتر سپس اعلام کرده بود که مسابقه‌دهندگان را برای مصاحبه در تاریخ خاصی دعوت خواهد کرد. خواهان در موعد مقرر هیچ خبری را دریافت نکرده و در نتیجه برای مصاحبه حاضر نگردیده بود. بر مبنای نظریه نقض قرارداد خواهان مدعی بود که مدیر تئاتر به دلیل نرساندن به موقع خبر مصاحبه اقدامی از روی بی‌مبالاتی انجام داده و مرتکب قصور گشته است و در نتیجه بخت وی برای برنده شدن را ضایع کرده است. دادگاه به صراحت حکم کرد که شانس برنده شدن یک منفعت قابل جبران است. دادگاه سپس در مورد ارزش بخت از دست رفته بحث نمود. دادگاه تصمیم خود را بر مبنای این نظریه قرارداد که مسابقه‌دهنده مستحق آنچه ممکن بود اتفاق بیفتد می‌بود اگر شانس از بین نمی‌رفت. در این پرونده دادگاه مدیر تئاتر را محکوم به پرداخت خسارتی معادل ۲۵٪ جایزه برندگان مسابقه نمود (مندل، ۱۹۹۱، ۲۸).

دادگاه‌های آمریکا تحلیل مربوط به ارزشمندی فرصت زائل شده اعلامی در پرونده چاپلین را در پرونده‌های مسئولیت مدنی از بین بردن فرصت اعمال می‌نمایند. به عنوان مثال در پرونده شرکت آلاید میپلز علیه سیمونس اندسیمونس، قصور یک وکیل در ارائه مشاوره صحیح، خواهان را از فرصت به دست آمده برای مذاکره جهت انعقاد معامله‌ای برتر، محروم کرده بود. دادگاه استیناف حکم کرد چنانچه

شانس دست‌یابی به نتیجه مطلوب حکم کرد. این رأی توسط مجلس اعیان نقض گردید با این استدلال که بیماری کودک به سبب کمبود اکسیژن و یا اسباب دیگر و یا مجموعه و ترکیبی از آن‌ها واقع شده است و زمانی می‌توان خواننده را مسئول دانست که فقط کمبود اکسیژن سبب ابتلا شده و یا اینکه به طرز قابل توجهی مؤثر در مصدومیت بوده باشد (ماندل، و مارکوت کارلین، ۱۹۹۱، ۳۲).

در پرونده دیگری خواهان کودکی بود که لگن وی بر اثر افتادن از درخت شکسته بود، در نتیجه احتیاطی بیمارستان، شکستگی او به مدت پنج روز تشخیص داده نشد. مفصل لگن به‌طور جبران‌ناپذیری به دلیل عدم خون‌رسانی به غضروف آسیب دید. دادگاه تشخیص داد که پارگی رگ‌های خونی در نتیجه افتادن از درخت آسیب را احتمالاً اجتناب‌ناپذیر می‌نمود؛ اما یک فرصت ۲۵ درصدی کافی بود که لگن وی سالم بماند اگر شکستگی به‌موقع تشخیص داده می‌شد. دادگاه بدوی و تجدید نظر حکم به پرداخت خسارت به مدعی دادند برای از بین بردن فرصت و شانس ۲۵ درصدی نتیجه مطلوب (سالم ماندن لگن پسر بچه). نمایندگان مجلس اعیان به نحو متفق‌القولی این تصمیم را رد کردند. آن‌ها اظهار داشتند خواهان هیچ فرصتی را از دست نداده است. چراکه بر اساس یافته‌های واقعی هیچ چیزی نمی‌توانسته لگن را سالم نگه دارد و در واقع نتیجه هنگامی که خواهان از درخت سقوط کرده معین می‌شود خواه رگ‌های سالم کافی داشته باشد یا نداشته باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت روند شکل‌گیری رویه قضایی در حقوق آمریکا به نفع جبران خسارات ناشی از تفویت فرصت و به رسمیت

پرونده دادگاه یک وکیل را که در فرصت تجدید نظر خواهی و در نتیجه قصور از وظایف موفق به تقدیم لایحه تجدید نظر خواهی نشده بود را به جهت شانس که از بین برده محکوم به پرداخت خسارت نمود (ماندل، و مارکوت کارلین، ۱۹۹۱، ۳۲).

این نگرش مثبت محاکم به قابلیت جبران فرصت از دست رفته در خصوص خطاهای پزشکی کمتر مورد پذیرش قرار گرفته و در حقیقت نظام حقوقی آمریکا قابلیت درخواست خسارت بابت فرصت از دست رفته را به موجب عدم احراز رابطه سببیت جایز ندانسته است. این دادگاه‌ها با تمسک به مفهوم کلاسیک سببیت در موارد متعددی از قصور پزشکی حکم به عدم مسئولیت پزشک داده‌اند. چراکه در این موارد سعی می‌کنند به جای ارزشمند دانستن شانس و فرصت، میان خطای پزشک و ضرر وارده بر بیمار یک رابطه سببیت برقرار نمایند.

برای مثال در پرونده‌ای یک دانشجوی پزشکی سال سوم در بخش مراقبت ویژه اطفال از روی بی‌مبالاتی، سوندی را در محل بدی گذاشت به نحوی که مانیتور نمی‌توانست نشان دهد که نوزاد زودرسی، اکسیژن زیادی دریافت می‌کند نوزاد به بیماری رستورنتال فیبرو پلاسیا مبتلا شد که وضعیتی در چشمان ایجاد می‌کند که به نابینایی منتهی می‌شود. دریافت اکسیژن بیش از حد یک سبب احتمالی این شرایط بود و شانس ابتلا به بیماری را افزایش می‌داد؛ اما اسباب محتمل دیگری نیز وجود داشت. علم آمار همبستگی میان بیماری و اسباب گوناگونی را که موجب ابتلای کودک می‌شد نشان می‌داد؛ اما از نظر مکانیزم سببیت حلقه اتصال بین آن‌ها ناشناخته بود. دادگاه تجدید نظر به پرداخت خسارت جهت کاهش

مختومه نمود. به دلیل اعتراض خواهان به آرای صادره پرونده در مجلس اعیان مطرح شد این فرجام خواهی با اکثریت سه به دو و با مخالفت اکثریت سه نفره قضات نسبت به توسعه اصول مربوط به امکان مطالبه خسارت فرصت از دست رفته به خطاهای پزشکی مختومه اعلام شد (هارپ، ۲۰۰۹، ۱۴۶).

در این پرونده نظر مهم اقلیت توسط قاضی نیکولز عنوان شد وی که ایراد خود را متوجه قاعده سنتی سببیت ساخته بود استدلال کرد: خودسرانه و غیر منصفانه است که شانس کاهش یافته بهبودی خواهان از ۴۲ به ۲۵ درصد را با این توجیه که احتمالاً هیچ گونه اثر درمانی به او ارائه نمی نماید بی ارزش تلقی نمایم در واقع این امر نامعقول و غیر قابل دفاع می باشد. از دست دادن شانس ۴۵ درصدی بهبودی دقیق همانند زیان واقعی برای یک بیمار است که شانس ۵۵ درصدی بهبودی را از دست داده شد و در هر دو مورد دکتر در مورد وظیفه ای که در برابر بیمارش داشته قصور ورزیده است. نظر قاضی هپ در راستای موافقت با قاضی نیکولز بود؛ اما نظر خویش را بر پایه توجیه دیگری بنیان نهاده بود، این نظر بر پایه این استدلال است که قصور پزشک به تومور این اجازه را داده بود که قبل از اینکه درمان شود رشد کند و این امر با ورود ضرر جسمی برابر بود و خسارات را بر مبنای سال های از دست رفته همراه با تحمل زیان جسمی قابل مطالبه می دانست. مهم ترین نگرانی اکثریت بر این بود که بر طبق ملاک و معیار سنتی سببیت و با توجه به احتمال پایین تر از ۵۰ درصد بهبودی خواهان امکان احراز رابطه سببیت بین خطای پزشک و ضرر غیر ممکن است (واکر، ۱۹۱۱، ۴۸).

شناختن نفس فرصت از دست رفته به عنوان ضرری مستقل در پرونده های بی احتیاطی پزشکی با اعمال نظریه سنتی سببیت توسط نمایندگان محافظه کار مجلس اعیان و در نتیجه عدم احراز رابطه سببیت میان خطای پزشک و ضرر وارده بی ثمر مانده است. اختلاف نظر دادگاه های بدوی با مجلس اعیان در خصوص امکان مطالبه خسارت ناشی از تفویت فرصت در خطاهای پزشکی سال ها است که پابرجا مانده است و آخرین تلاش، در سال ۲۰۰۵ نیز برای اعمال اصول مربوط به مطالبه این خسارت با مخالفت اکثریت قضات مجلس اعیان ناکام مانده است (هارپ، ۲۰۰۹، ۱۴۶).

در پرونده مذکور خواهان در مورد برآمدگی زیر بازویش به دیدن پزشک عمومی خود یعنی دکتر اسکات می رود، دکتر با تشخیص توده چربی و با بی خطر دانستن برآمدگی به خواهان اطمینان می دهد که احتیاج به هیچ اقدام درمانی وجود ندارد. نه ماه بعد خواهان به پزشک دیگری مراجعه می کند و توسط وی سرطان تشخیص داده می شود. در حالی که غده بزرگتر شده و به سطح بیشتری گسترش پیدا کرده بود. او علیه دکتر اسکات بدلیل از بین بردن شانس زنده ماندن شکایت کرد. به نظر کارشناسان شانس بقای او در صورتی که بیماری فوری تشخیص داده می شد به مدت ۱۰ سال ۴۲ درصد می بوده است که با تشخیص نادرست به ۲۵ درصد کاهش پیدا کرده بود. دادگاه بدوی بدون لحاظ نظر کارشناسی و با این استدلال که خواهان نتوانسته رابطه سببیت میان قصور دکتر اسکات و ضرر وارد بر خویش را اثبات نماید حکم به بی حقی او صادر نمود. دادگاه استیناف نیز فرجام وی را با اکثریت دو به یک

از دست دادن فرصت لذت مطالبه خسارت نمود(وان)،  
۲۰۰۵، ۱۴).

نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این است که در مثال‌های بالا، توانایی لذت بردن یا توانایی خاص در ورزش مورد نظر را به دو صورت می‌توان بررسی کرد. اگر در مورد سود نهایی اطمینان وجود داشته باشد، برای مثال چنانچه یک ورزشکار به‌طور منظم ورزش خاصی را پیگیری نماید و عمل خوانده باعث سلب این انتفاع شود، می‌توان تحت عنوان عدم‌النفع خسارت را مطالبه کرد. اگر در خصوص نفع نهایی قطعیت وجود نداشته باشد، به‌عنوان مثال چنانچه یک کودک ده ساله فرصت بازی تنیس را از دست داده باشد، خسارت تحت عنوان فرصت از دست رفته قابل مطالبه است. نیز در فرض آخر، فرصتی که ارزشمند تلقی می‌شود، قابل جبران است. البته اگر یک کودک به ورزش تنیس علاقه نداشته و برای یادگیری آن تلاش نکرده باشد، در واقع از دست رفتن فرصت بازی تنیس، به او آسیبی نمی‌رساند.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت در حقوق آمریکا، فرصت از بین رفته، به استثنای خطاهای پزشکی، به‌عنوان یک ضرر قابل جبران مورد پذیرش قرار گرفته است و با توجه به نگرش‌های جدید نسبت به مفهوم ضرر و قاعده سببیت پذیرش این نوع ضرر حتی در موضوعات پزشکی نیز در آرای قضایی و نظرات حقوق‌دانان مورد اقبال قرار گرفته است(وینفیلد، ۲۰۱۹، ۱۸۰).

## ۶. نتیجه

در این مقاله دو فرض از دست دادن فرصت، یعنی فرصت تحصیل سود و فرصت پرهیز از زیان، در

همانا دغدغه قضات مخالف نادیده گرفتن معیار سنتی شناسایی علت اصلی و گسترش دامنه اسباب مسئول در بروز یک حادثه به اسباب غیر اصلی و اسبابی که بر پایه نظریه نسبتی سببیت، سبب حادثه به حساب نمی‌آیند موجب طرح دعاوی بی‌شمار می‌گردد که در تمام آن‌ها یک رابطه عرفی سببی غیر اصلی بین ضرر و فعل زیان‌بار وجود دارد و با توجه به عدم وجود هیچ قاعده اولیه‌ای که بتواند دامنه این سببیت جدید را محدود به دعاوی یا موارد خاص کند، دادگاه‌ها با تعداد زیادی دعاوی جدید مواجه خواهند شد. از طرفی استناد به نظریه از دست رفتن فرصت در خطاهای پزشکی مستلزم استفاده از کارشناسان حرفه‌ای و تمسک به آمار و احتمالات است و با توجه به این که تصمیم دادگاه تا حد زیادی منوط به نظر کارشناسان است می‌تواند منجر به بروز خطاهای زیادی در امر دادرسی گردد. صرف نظر از پرونده‌های پزشکی در حقوق آمریکا فرصت از دست رفته برای لذت بردن از یک ورزش یا امکان خاص تحت عنوان زیان لذت قابل جبران دانسته شده است. در مواردی عامل ورود ضرر را به سبب محروم ساختن از پرداختن خواهان به یک فعالیت ورزشی خاص محکوم به پرداخت خسارت کرده است. هم‌چنین در مواردی خوانده را به سبب محروم نمودن خواهان از لذت‌ها، تفریحات معمول زندگی همچون لذت استفاده از تعطیلات و یا از بین بردن قدرت پیاده‌روی و بازی کردن محکوم به پرداخت خسارت نموده است. در این زمینه می‌توان به پرونده کودکی اشاره کرد که بر اثر حادثه دچار معلولیت و شکستگی استخوان می‌شود و در نتیجه برای ایام باقی‌مانده عمر امکان بازی تنیس از وی سلب می‌شود. کودک زیان‌دیده به دلیل از دست‌دادن فرصت بازی تنیس تحت عنوان

دادرسی کیفری و قانون بیمه اجباری ثالث و قانون مدنی در رابطه با مضاربات و غیره، هنوز اظهار نظر خاصی در مورد نحوه جبران خسارات ناشی از فرصت از دست رفته وجود ندارد. لذا به موجب ماهیت تعیین میزان خسارت، می‌توان از قاعده به نسبت و مفهوم جبران خسارات متناسب با رویکرد ترکیبی در بررسی خسارات جهت فرصت از دست رفته با به‌کارگیری دانش و تخصص کارشناسان در آن حوزه استفاده نمود. و تجربه حقوق آمریکا هم‌چنین می‌تواند به‌عنوان یک راهنمای مناسب ملاک عمل قرار گیرد.

#### ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حقوق ایران و آمریکا مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که اگر رابطه سببیت در حقوق تطبیقی ثابت شود، از بین بردن فرصت به‌عنوان ضرر مستقل محسوب شده و سبب مسئولیت مدنی تلقی می‌گردد. نیز در حقوق ایران، با استناد به عمومیت مفهوم ضرر، از این جهت از دست دادن فرصت به‌عنوان ضرر مستقل محسوب می‌شود. استفاده از قاعده به نسبت، تنها زمانی ممکن است که احتمال حصول نتیجه معقول باشد. اگر احتمال ضعیف باشد، دست دادن فرصت به‌شمار نمی‌آید و قابل جبران نیست. برخی حقوق‌دانان فرصت را در این حالت تلقی نمی‌کنند. مسئله اصلی در مورد خسارات بابت از دست دادن فرصت، روش ارزیابی آن می‌باشد. در قوانین و مقررات ایران، توضیحی در خصوص این امر وجود ندارد؛ ولی در حقوق آمریکا در فرض اثبات خسارات معمول، دو قاعده اصلی جهت محاسبه خسارات وجود دارد: قاعده همه یا هیچ و قاعده به نسبت. بهره‌گیری از قاعده همه یا هیچ در مواردی سبب جبران خسارات بیش از حد شده و گاه خساراتی را جبران نشده باقی می‌گذارد. در این صورت، به‌کارگیری قاعده به نسبت می‌تواند این افراط‌ها را تعدیل نماید. در دو دهه گذشته، به نظر می‌رسد که دادگاه‌ها در آمریکا تمایل داشته‌اند در مواردی که فرصت اساسی به‌طور کامل از بین رفته است، خسارت باید کامل جبران شود و در مواردی که تنها از میزان فرصت کاسته شده، قاعده به نسبت به‌کار گرفته شود (رویکرد ترکیبی). هم‌چنین رویکرد کلی نیز به‌سوی قاعده به نسبت است. در حقوق ایران، افزون بر مبانی و ظرفیت‌های قضایی و حقوقی مانند قاعده الضرر و عموم و اعمال مواد ۱ و ۶ قانون مسئولیت مدنی و ملاک تبصره ماده ۱۴ قانون آئین

## منابع

- کاظمی، محمود، «نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۳، ۱۳۹۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقهی، بخش مدنی، تهران، انتشارات اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، ۱۳۹۱.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، سلسله فرهنگ های معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، القاص الفقیه، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۲.
- مهمان‌نوازان، روح‌الله، خسارت‌های قابل جبران در حقوق ایران، جلد ۳، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، جلد ۱، قم، مؤسسه انتشارات خیام، ۱۳۸۹.
- یزدانیان، رضا، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۳.
- لاتین
- Black. Vaughan, gost of aehance: Gregg v scot tin the house of lords, health law review, 2005,14.
- Bryan A. Garner, BlacK's law Dictionary, 8 ed, Aware publications, 2004.P.965.
- Harpwood,vivenne, modern tort law, seven th edition, taylor and francis Group,2009,146.
- Lord walker, loss of a chance and chance of loos, from choplin to gregg v scott ,1911.48.
- Mandell, m, and marcotte carlin, S. the value of A chance: The Evolution and Chaplin v Hicks,1991.28.
- Rogers.W. VH. WINFIELD and JOLOWICZ on TORT, london, swee and maxwell. Sixteen th edition, 2018.
- امینی، منصور؛ ناطق نوری، سوده، «بررسی تطبیقی نظریه از دست دادن فرصت، مروری بر قوانین اروپا و آمریکا»، مجله تحقیقات حقوق تطبیقی، دوره پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۹۷.
- بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، جلد ۲۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵.
- تیموری سندوسی، سید قاسم؛ صفایی، سید حسین؛ امینی، منصور؛ مالکی، جلیل، «روش محاسبه فرصت از دست رفته مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس»، فصلنامه جامعه-شناسی سیاسی ایران، سال دوم، شماره ۴ (پیاپی)، ۱۳۹۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱.
- جعفری مجد، محمد؛ حسینی، سید یاسر، «جبران زیان اقتصادی محض»، مجله پژوهشی اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- سماواتی، حشمت‌الله، خسارات ناشی از عدم ایفای تعهدات قراردادی، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۹.
- شادمان، فرهاد، از دست دادن فرصت و موقعیت با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان و ایالات متحده آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه قم، ۱۳۹۶.
- شیروی، عبدالحسین، «نقد و بررسی مفاد آئین دادرسی مدنی در خصوص مطالبه خسارت قراردادی و تأخیر تأدیه»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، دوره سوم، شماره ۹، ۱۳۹۸.
- صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی(تعهدات خارج از عقد)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی امید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- کاتوزیان، ناصر، تعهدات خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، جلد ۱(قواعد عمومی)، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.